

نقش رهبری در عبور از چالشها.....

لطف علی لطیفی پاکده

عضو هیأت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی

چکیده

چگونگی برخورد رهبران انقلاب اسلامی با چهار چالش عمده پس از پیروزی انقلاب در این مقاله مورد بررسی واقع می‌شوند: حاکمیت لیبرالها و اغتشاش گروهکها، جنگ تحمیلی عراق بر ضد ایران، رسانه‌های دشمن شادکن و چالش تمدنی که نحوه برخورد با عقب ماندگی تاریخی ایران را بیان می‌کند. رهبران انقلاب اسلامی در برخورد با هر چالش مهم در عرصه اداره جامعه، چهار مرحله را طی می‌کنند:

۱. شناخت دقیقی از ابعاد مختلف موضوع چالش به دست می‌آورند.
 ۲. آمادگی‌های لازم برای حل چالش را در بین مردم و یا مخاطبان خاص آن چالش پدید می‌آورند.
 ۳. اقدامات عملی مورد نیاز برای حل چالش را انجام می‌دهند.
 ۴. اقدامات حقوقی و قانونی لازم برای پیشگیری از بازگشت چالش را انجام می‌دهند.
- کلید واژه‌ها: ولایت فقیه، جنگ تحمیلی، چالش رسانه‌ای.

مقدمه

چالش چیست و چگونه می‌توان از آن عبور کرد؟ رهبران انقلاب اسلامی با چالش‌ها چه می‌کنند و چرا تاکنون که نزدیک به سه دهه از انقلاب مقدس اسلامی می‌گذرد، دشمن نتوانسته است به هدف واقعی خود که نابودی اسلام عزیز است نائل شود؟ چرا هر روز که می‌گذرد عزت اسلام در جهان بیشتر می‌شود و بر وحشت دشمنان دین افزوده گردد؟

چالش به معنای مبارزه و مبارزه طلبی است. در زبان عربی به آن تحدی می‌گویند و در اصطلاح این مقاله به وضعیتی گفته می‌شود که یک جامعه در معرض تهدید جدی دشمن قرار می‌گیرد. دشمن، می‌تواند خارجی یا داخلی بوده، حمله نیز ممکن است فکری، فرهنگی، نظامی، امنیتی، رخنه ای و یا آشوب طلبانه باشد. هر گونه اشتباه و یا سهل انگاری در عبور از چالش‌ها می‌تواند کشور را به مرز بحران برساند، فاجعه بیافریند و نظام اسلامی را تهدید کند. کلماتی چون آشوب، فتنه، شبیخون، مبارزه طلبی و امثال آن به لحاظ معنی با کلمه چالش بسیار نزدیک هستند. این معنا حاصل برداشت نویسنده از سخنان گوناگون مقام معظم رهبری در باره چالش است که برای نمونه به بخشی از پیام معظم له به اجلاس هزاره‌ی رهبران دینی جهان توجه فرمایید:

زندگی، میدان مبارزه است. شما در خانه‌ی خودتان هم که نشسته باشید، مجبورید چالشی را بر خودتان تحمیل کنید تا بتوانید تنفس کنید و ادامه‌ی حیات دهید. ... این‌که گفته‌اند «انما الحیة عقیده و جهاد»، یک واقعیت است. انسان راهی را انتخاب می‌کند و در آن راه مشغول چالش و مبارزه می‌شود. (۱۳۷۹/۶/۹)

هنر رهبری آنگاه نمودار می‌شود که با استمداد از الطاف الهی، جامعه را به سلامت از این چالش‌ها عبور می‌دهد، حیلۀ دشمن را به خود او باز می‌گرداند و آینده‌ای روشن برای ملت نوید می‌دهد.

شناخت نقش رهبری می‌تواند چندین فایده داشته باشد؛

نخست این که ما را به مفهوم این سخن امام نزدیک تر خواهد ساخت:

من به همه ملت، به همه قوای انتظامی، اطمینان می‌دهم که امر دولت اسلامی، اگر با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد، آسیبی بر این مملکت نخواهد وارد شد. (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۵۸)

دوم این که الگویی به همه ما خواهد آموخت تا به کمک آن بر چالش‌هایی که در زندگی شخصی، شغلی و یا علمی ما پدید می‌آید غلبه کنیم و شاهد موفقیت را در آغوش کشیم. فایده سوم این است که در عمل با اصول مدیریت اسلامی آشنا خواهیم شد و می‌توانیم از اصول آن در مدیریت‌های کوچک تر خود بهره برداری کنیم.

الگوی نظری

به لحاظ نظری شیوه مدیریت چالش‌ها توسط رهبران انقلاب اسلامی را می‌توان چنین ترسیم کرد:

۱. شناخت دقیق: قبل از هر اقدامی باید عناصر مؤثر در چالش را به تمامی شناخت. پیشینه، جزئیات، ارزشهای اسلامی و انسانی مرتبط، فضای حاکم بر مسأله و تدبیر در عواقب آن از جمله عناصری است که باید به دقت بررسی گردند. هر گونه کم توجهی ممکن است به سردرگمی و اشتباه بینجامد که فرجامی بس خطرناک خواهد داشت. امام صادق (ع) فرمود:

الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ وَلَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ مِنَ الطَّرِيقِ إِلَّا بُعْدًا
کسی که بدون بینائی عمل کند چون کسی است که بیراهه رود و سرعت رفتن جز پرتی از راه
برایش نیفزاید.^۱

۲. ایجاد آمادگی: پس از شناخت ابعاد مختلف یک چالش، باید آمادگی‌های لازم را پدید آورد. خونسردی خود را حفظ کرد. ابعاد واقعی چالش را معرفی کرد. ترس و ناامیدی را از مردم دور ساخت و روح شجاعت و امید را در آنان دمید.

۳. اقدامات عملی: برای عبور موفق از یک چالش باید اقداماتی را انجام داد از جمله مردم را بسیج کرد، قاطعیت نشان داد، استدلالهای محکم ذکر کرد و فداکاری نمود.

۴. استحکام مواضع: پس از عبور موفق از یک چالش باید مواضع را مستحکم نمود تا دشمن دوباره هوس حمله نکند. برای چنین کاری باید حقایق را برای مردم افشا کرد، تدابیر حفاظتی برای حفظ دستاوردها اندیشید، جایگاه قانونی مسأله را تثبیت کرد و تجربه‌ها را حفظ نمود.

این الگوی نظری را با چند مثال عینی شرح می‌دهیم:

۱. چالش حاکمیت لیبرالها و اغتشاش گروهکها

ورود لیبرالها به درون کادر رهبری و حاکمیت انقلاب اسلامی از شورای انقلاب شروع شد. ماجرا این طور آغاز گردید که استاد شهید مرتضی مطهری در حدود سه چهار ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در پاریس ملاقاتی با امام خمینی داشتند. امام در

همان‌جا تشکیل شورای انقلاب اسلامی را بر عهده ایشان نهادند. آن شهید عزیز نیز پس از بازگشت به ایران، دائماً در حال بررسی و تماس گرفتن با افراد مختلف بودند تا اینکه شورای انقلاب تشکیل شد. اسامی آن‌ها خدمت امام اعلام شد و امام هم آنان را معرفی کردند.^۲ امام خمینی (ره) در فرمان تأسیس شورای انقلاب، در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۲ اهداف آن را چنین اعلام نموده است:

الف. تشکیل مجلس مؤسسان از منتخبین مردم به منظور تصویب قانون اساسی جدید جمهوری اسلامی.

ب. انجام انتخابات براساس مصوبات مجلس مؤسسان و قانون اساسی جدید؛

ج. انتقال قدرت به منتخبین جدید. (صحیفه امام، ج ۵، ص: ۴۲۶-۴۲۷)

اما چرا جریان لیبرال به شورای انقلاب راه یافت؟ علت اصلی را می‌توان در اعتقاد جریان اسلامگرا به گسترده بودن میدان عمل سازنده و شرکت خلاق هر چه بیشتر نیروها و نفی هر نوع تنگ نظری و انحصار طلبی دانست. به نوشته آقای هاشمی رفسنجانی، هسته اولیه شورای انقلاب که از روحانیون بود، در جلسات اولیه خود تصمیم گرفت تقریباً به تعداد خود افراد غیر روحانی نیز وارد شورای انقلاب کند.^۳ شهید بهشتی نیز در نامه ای به امام خمینی (ره) می‌نویسد:

ما از همان آغاز در پی آن بودیم که میدان عمل سازنده چنان فراخ و گسترده باشد که امثال آقای بنی صدر و بازرگان و آقای یزدی در سطوح بالا فعالیت داشته باشند... اختلاف این آقایان با ما بیش از هر چیز... در رعایت یا عدم رعایت کامل معیارهای اسلامی در گزینش افراد برای کارها و در برخورد قاطع با جریانهای انحرافی است.^۴

علت دیگر را می‌توان در ضعف تجربه مدیریتی یاران انقلاب پی جست. عمر اینان در رژیم گذشته، به مبارزه گذشته بود و تجربه مدیریتی، بویژه در سطوح بالا را نداشتند. از این رو، لازم می‌دیدند از نیروهایی که تجربیات اندکی در پست‌های مدیریتی میانی رژیم سابق داشتند بهره گیرند.

ورود لیبرالها به عرصه حاکمیت نظام دینی، چالش‌های مهمی پدید آورد. از یک سو عدم اعتقاد جدی اینان به اجرای احکام دینی و لزوم اعمال معیارهای دینی در گزینش افراد

برای مدیریت‌ها، سبب بروز اختلافات شدید در درون حاکمیت شد و از سوی دیگر، تساهل اینان در برخورد با ضد انقلاب مشکلات امنیتی متعددی ایجاد کرد.

اینک نحوه برخورد امام خمینی (ره) با این چالش را به نظاره می‌ایستیم:

(۱) شناخت دقیق: امام خمینی (ره) پیشینه لیبرالها و تاریخچه عملکرد آنها را به خوبی می‌دانست. بعلاوه با جزئیات، ارزشهای اسلامی و انسانی مرتبط و فضای حاکم بر مسأله آشنا بود. برای مثال، به این سخن دقت کنید. اصل سخن در باره جبهه ملی تشکیل اصلی لیبرالها می‌باشد و در ادامه به نهضت آزادی که شاخه مذهبی آنها بود اشاره شده است:

من از آن ریشه‌های می‌دانم یک گروهی [جبهه ملی] که با اسلام و روحانیت اسلام سر سخت مخالف بودند. ... اینها تفاله‌های آن جمعیت هستند که حالا قصاص را، حکم ضروری اسلام را، «غیر انسانی» می‌خوانند. ما تکلیفمان با آنها خوب تا یک حدودی معلوم است. هر وقت هم مصلحت پیدا بشود، روشنش می‌کنیم. اما با این نمازخوانها باید چه بکنیم؟ همین نمازخوانهایی که حضرت امیر سلام الله علیه ... در مقابل آنها فُشَل شد نتوانست کاری بکند. (صحیفه امام، ج ۱۴، ص: ۴۵۷)

(۲) ایجاد آمادگی: پس از شناخت ابعاد مختلف یک چالش، باید آمادگی‌های لازم را پدید آورد. خون‌سردی خود را حفظ کرد. ابعاد واقعی چالش را معرفی کرد. ترس و ناامیدی را از مردم دور ساخت و روح شجاعت و امید را در آنان دمید. برای مثال زمانی که منافقین دست به ترور کور زدند و امنیت اجتماعی را زیر سؤال بردند امام خمینی (ره) با دعوت از جوانانی که فریب گروهک‌ها را خورده بودند فرمودند:

اینها یک گروه‌های کوچکی هستند که چنانچه این مصلحت، که عبارت از این است که جوانهای گول خورده ما برگردند به آغوش اسلام و ملت، اگر نبود این، خوب، تکلیف آنها زود معلوم می‌شد. ملت هم فریاد می‌زنند و از من می‌خواهند که تکلیف آنها را معین کنم. لکن من مصلحت همه مسلمین را و غیر مسلمین را هم می‌خواهم، که اینها همه رهاکنند این شرارت‌ها را؛ و جوانها و دخترها و پسرهای عزیز ما گول اینها را نخورند. از دام اینها فرار کنند؛ و به آغوش اسلام برگردند، که اینها برای ملت نمی‌خواهند کار بکنند. (صحیفه امام، ج ۱۴، ص: ۴۸۹)

(۳) اقدامات عملی: برای عبور موفق از یک چالش باید اقداماتی را انجام داد از جمله

مردم را بسیج کرد، قاطعیت نشان داد، استدلالهای محکم ذکر کرد و فداکاری نمود. به این سخن بنگرید که چه زیبا مردم را به حضور در صحنه فرامی خواند:

حضور شما مردم عزیز و مسلمان در صحنه است که توطئه‌های ستمگران و حيله گران تاریخ را خنثی می‌کند. حضور شما در صحنه است که گرد یأس و درماندگی بر چهره‌های منافقین و متحدان بی‌آبرویش می‌پاشد. حضور شما مردم شجاع و با ایمان است که خط اصیل اسلام را بر ایران و به امید خدا بر جهان حاکم خواهد نمود. حضور شما مردم مؤمن و از جان گذشته است که روشنفکران غرب و شرق‌زده را برای همیشه رسوا می‌کند. حضور شما در صحنه، تمام «من»ها و منیتهای شیطانی را کوبیده و می‌کوبد و «ما» و اخوت اسلامی را جایگزین آن نموده و می‌نماید.

... امروز و روزهای آینده روز شکست جریان دشمنان قسم خورده اسلام است. روز شکست فرد یا افراد نیست، روز شکست جریانی است که به اسلام معتقد نیستند و اگر هم باشند، مسلماً تا حدودی است که با قوانین غرب بر نخورد و مخالفتی نداشته باشد؛ خمینی دست یکایک شما را می‌بوسد و به یکایک شما احترام می‌گذارد و یکایک شما را رهبر خودش می‌داند که بارها گفته‌ام من با شما یکی هستم و رهبری در کار نیست. (صحیفه امام، ج ۱۴، ص: ۲۷۴)

۴) استحكام مواضع: پس از عبور موفق از یک چالش باید مواضع را مستحکم نمود تا دشمن دوباره هوس حمله نکند. برای چنین کاری باید حقایق را برای مردم افشا کرد، تدابیر حفاظتی برای حفظ دستاوردها اندیشید، جایگاه قانونی مسئله را تثبیت کرد و تجربه‌ها را حفظ نمود. حضرت امام در پیام جامعه روحانیت خود به برخی از مقامات اعلام کردند:

من بارها اعلام کرده‌ام که با هیچ کس در هر مرتبه‌ای که باشد عقد اخوت نبسته‌ام. چهارچوب دوستی من در درستی راه هر فرد نهفته است. دفاع از اسلام و حزب الله اصل خدشه‌ناپذیر سیاست جمهوری اسلامی است. ما باید مدافع افرادی باشیم که منافقین سرهاشان را در مقابل زنان و فرزندان‌شان در سفره افطار گوش تا گوش بریدند. ما باید دشمن سرسخت کسانی باشیم که پرونده‌های همکاری آنان با امریکا از لانه جاسوسی بیرون آمد.

ما باید تمام عشقمان به خدا باشد نه تاریخ. کسانی که از منافقین و لیبرالها دفاع می‌کنند، پیش ملت عزیز و شهید داده ما راهی ندارند. اگر ایادی بیگانه و ناآگاهان گول خورده که بدون توجه بلندگوی دیگران شده‌اند، از این حرکات دست بردارند، مردم ما آنها را بدون هیچ گونه گذشتی طرد خواهند کرد. (صحیفه امام، ج ۲۱، ص: ۳۲۷)

۲. چالش جنگ تحمیلی

جنگ تحمیلی در شرایطی به کشور ما تحمیل شد که سپاه و بسیج هنوز انسجام کافی پیدا نکرده بودند، ارتش نیز به دلیل اعدام، فرار و یا بازنشسته شدن بسیاری از فرماندهانش در وضع مساعدی نبود. دشمن دون فرصت را غنیمت شمرد و با تجاوز نظامی گسترده به خاک کشورمان تلاش کرد تا نظام اسلامی را سرنگون سازد و خوزستان عزیز را از پیکر ایران اسلامی جدا ساخته؛ سهم ایران از اروندرود را به خاک خود ملحق نماید.

امام خمینی (ره) این چالش بزرگ را که می‌توانست فجایع بزرگی پدید آورد در سایه الطاف الهی به خوبی مدیریت کرد و نتیجه چنان شد که امروز، ایران اسلامی سربلند و با افتخار تلاش می‌کند به مردم عراق کمک کند تا خرابکاریهای صدام و آمریکا را آباد کنند. در این باره، گفتنی است:

۱) شناخت دقیق: امام خمینی (ره) صدام و پشتیبانان او را خوب می‌شناخت. او سابقه آنها را می‌دانست.

از اولی که این حکومت اشتراکی روی کار آمد و مرحوم آقای حکیم^۵ تحریم کرد و آنها را تکفیر کرد، مردم عراق اینها را شناخته‌اند... این صدام حسین، من از اول وقتی که روی کار آمد تنبه دادم که این دیوانه است، این عقلش درست کار نمی‌کند، و لهدا، با دیوانگی دارد عمل می‌کند و خودش را به هلاکت می‌رساند. (صحیفه امام، ج ۱۳، ص: ۲۲۲).

۲) ایجاد آمادگی: پس از شناخت ابعاد مختلف یک چالش، باید آمادگی‌های لازم را پدید آورد. خونسردی خود را حفظ کرد. ابعاد واقعی چالش را معرفی کرد. ترس و ناامیدی را از مردم دور ساخت و روح شجاعت و امید را در آنان دمید.

ملت ایران نباید خیال بکنند که جنگی شروع شده است و حالا فرض کنید که دست و پای خودمان را گم کنیم، نه، این حرفها نیست. یک چیزی آوردند و یک بمبی اینجا انداختند

و فرار کردند، رفتند... یک دزدی آمده است یک سنگی انداخته و فرار کرده، رفته است سرچایش. دیگر قدرت اینکه تکرار بکند ان شاء الله ندارد. من به ملت ایران سفارش می‌کنم که چند جهت را ملاحظه کنند: یک جهت اینکه خونسردی خودشان را حفظ کنند و ابدأ توجه به این معنا که یک قضیه‌ای واقع شده است و واقعاً واقع نشده قضیه‌ای.

...من هر روزی که محتاج به این بشود که بسیجی بکنم، خواهم کرد و ان شاء الله، نیاید آن روز که یک همچو امری واقع بشود. (صحیفه امام، ج ۱۳، ص: ۲۲۳)

۳) اقدامات عملی: برای عبور موفق از یک چالش باید اقداماتی را انجام داد از جمله مردم را بسیج کرد، قاطعیت نشان داد، استدلال‌های محکم ذکر کرد و فداکاری نمود. به این سخن بنگرید:

جنگ، جنگ است و عزت و شرف میهن و دین ما در گرو همین مبارزات است... امروز، روزی است که ملت ما باید دست در دست سپاه و ارتش نجیب و دلیر گذاشته و به دشمنان بفهمانند که بر فرض محال اگر وارد شهری شدند، تازه با مردمی مسلح و جنگجو مواجه خواهند شد که از وَجَب به وَجَب شهرشان دفاع می‌نمایند. امروز، روزی است که روحانیون ما در شهرها باید روح شهامت و شجاعت و شهادت را در کالبد مردم ما بدمند که بحمدالله دمیده شده است. امروز، روز اتحاد و یگانگی است. (صحیفه امام، ج ۱۳، ص: ۲۴۴)

و امام خمینی (ره) را بنگرید که چه سان در برابر درخواست‌های سازش می‌ایستد و حاضر نیست در برابر ستمگران و جنایتکاران کوتاه بیاید. سرانجام زمانی که مصلحت را در پذیرش قطعنامه می‌بیند باز هم در برابر ابرقدرتها می‌ایستد و قاطعانه چنین می‌گوید:

اینجانب به نظامی‌های امریکایی و اروپایی اخطار می‌کنم که تا دیر نشده و در باتلاق مرگ فرو نرفته‌اید، از خلیج فارس بیرون روید. و همیشه اینگونه نیست که هواپیماهای مسافربری ما توسط ناوهای جنگی شما سرنگون شود؛ که ممکن است فرزندان انقلاب ناوهای جنگی شما را به قعر آبهای خلیج فارس بفرستند. (صحیفه امام، ج ۲۱، ص: ۸۹)

در ورای این قاطعیت استدلال‌های محکمی نیز وجود دارد. امام خمینی (ره) ده روز پس

از آغاز جنگ تحمیلی خطاب به ملت و ارتش عراق چنین می‌فرماید:

ای ملت شریف، وای ارتش گرفتار! تحت سلطه کفر! اکنون بیش از ده روز است که

رژیم بعث فاسد به امر قدرتهای کافر، به کشور اسلام و همسایه شما هجوم و حشیانه نموده و شهرهای بی‌پناه و برادران مسلمان مظلوم شما را مورد تجاوز و ستم قرار داده و منازل و پناهگاههای آنان را خراب و اطفال و زنان مظلوم را قتل عام نموده‌اند که جرم آنان هیچ نیست جز آنکه می‌خواهند در کشورشان جمهوری اسلامی باشد و احکام قرآن مجید جاری شود. و می‌خواهند مستقل و آزاد باشند و زیر سلطه و ستم ابرقدرتان نباشند و مخازن کشورشان از خودشان و مستمندان میهنشان باشد. و چه جرمی در نظر چپاولگران و نوکران و جیره خوران آنان بالاتر از این جرما! (صحیفه امام، ج ۱۳، ص: ۲۵۵)

در این مسیر مقدس امام خمینی (ره) هم مردم را به فداکاری تشویق می‌کند و هم خود فداکاری می‌کند. می‌دانیم که از جمله اهداف اساسی بمباران تهران توسط ارتش بعث عراق، جماران بود. امام خمینی (ره) در طول دفاع مقدس حاضر نشدند به دلیل مسائل امنیتی جماران را ترک کنند و یا در زمان حملات موشکی و هوایی دشمن از پناهگاه استفاده کنند. ایشان اعتقاد داشتند تا زمانی که همه ملت نتوانند از پناهگاه استفاده کنند ایشان هم چنین نخواهد کرد و نیز می‌فرمودند: «هیچ فرقی بین من و آن پاسداری که الان سرک‌وچه در پست خود نگهداری می‌دهد، نیست.»^۴

۴) استحکام مواضع: پس از عبور موفق از یک چالش باید مواضع را مستحکم نمود تا دشمن دوباره هوس حمله نکند. برای چنین کاری باید حقایق را برای مردم افشا کرد، تدابیر حفاظتی برای حفظ دستاوردها اندیشید، جایگاه قانونی مسأله را تثبیت کرد و تجربه‌ها را حفظ نمود.

امام خمینی (ره) پس از پایان جنگ، در زمانی که شبهه تراشان سعی دارند ذهن مردم را مشوش کنند، حقایق را برای مردم افشا می‌کند:

ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه فرع آن بوده است. (صحیفه امام، ج ۲۱، ص: ۲۸۴)

امام خمینی (ره) هشدار می‌دهد که آمادگی‌های نظامی باید همواره حفظ شود زیرا تهدید دشمن را باید جدی گرفت:

با قبول و اجرای صلح کسی تصور نکند که ما از تقویت بنیه دفاعی و نظامی کشور و توسعه و گسترش صنایع تسلیحاتی بی‌نیاز شده‌ایم، بلکه توسعه و تکامل صنایع و ابزار مربوط به قدرت دفاعی کشور از اهداف اصولی و اولیه بازسازی است و ما با توجه به ماهیت انقلابمان در هر زمان و هر ساعت احتمال تجاوز را مجدداً از سوی ابرقدرتها و نوکرانشان باید جدی بگیریم. (صحیفه امام، ج ۲۱، ص: ۱۵۸)

امام خمینی (ره) در دوران دفاع مقدس متوجه برخی نواقص قانونی در کشور گردید. از جمله این که مجمع تشخیص مصلحت نظام در قانون اساسی پیش بینی نشده بود و حال آن که وجود آن برای مقابله با برخی معضلات جدی نظام ضرورت داشت. دیگر این که فقدان تمرکز در مدیریت قوای مجریه و قضاییه مشکلاتی را سبب شده بود. امام خمینی (ره) با صدور فرمان بازنگری قانون اساسی گام مهمی در حل این مشکلات برداشتند. (صحیفه امام، ج ۲۱، ص: ۳۶۳)

گام آخر در مسیر برخورد با چالش‌ها، حفظ تجربیات حاصله است که این را نیز به وضوح می‌توان در اندیشه امام خمینی (ره) شاهد بود:

ملتی که در خط اسلام ناب محمدی (ص) و مخالف با استکبار و پول پرستی و تحجرگرایی و مقدس‌نمایی است، باید همه افرادش بسیجی باشند و فنون نظامی و دفاعی لازم را بدانند، چرا که در هنگامه خطر ملتی سربلند و جاوید است که اکثریت آن آمادگی لازم رزمی را داشته باشد. (صحیفه امام، ج ۲۱، ص: ۱۹۵)

۳. چالش رسانه‌های دشمن شاد کن

از جمله حربه‌های اصلی دشمن در استعمار فرانو، رو آوردن به نبرد رسانه‌ای است. بر این اساس، دشمن می‌کوشد با کاشتن عوامل آگاه یا فریب خورده خود در زیر ساخت‌های ارتباطی جوامع هدف، توجه مثبت پاره‌ای از نخبگان آن جامعه را به خود جلب کند و سپس از طریق آنها اهداف پلید خود را تحقق بخشد. تلاش موفق غرب در فروپاشی شوروی سابق عمدتاً بر نبرد رسانه‌ای متمرکز بود. در جامعه ایران نیز، از جمله دلایل موفقیت غائله ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ زمینه‌سازیهایی رسانه‌ای پیش از آن بود.

نقش مؤثر رسانه‌ها در جامعه چنان زیاد است که هر گونه غفلت از آنها ممکن است

موجبات رخنه عوامل استعمار فرانو را فراهم سازد و اینان با مسموم ساختن فضای فکری جامعه زمینه‌های اجتماعی را برای پیشبرد اهداف دشمن فراهم سازند.

مقابله با چالش رسانه‌ای بسی دشوار است، زیرا هر گونه افراط در این زمینه ممکن است آزادی‌های سالم را نیز که وجود آنها برای سلامت جامعه ضرورت دارد نقض کند. در صورت کوتاهی نیز به یقین اسباب سوء استفاده دشمن را فراهم می‌کند. انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ که سبب روی کار آمدن دولت آقای سید محمد خاتمی گردید، حجم آزادی‌های مطبوعاتی را یکباره توسعه فراوانی بخشید. چنین کاری در حالت عادی توانست برای جامعه ما بسیار مفید باشد، اما از آنجا که ما دشمنانی داریم که در دانش روابط عمومی و ارتباطات پیشرفت‌های زیادی کرده‌اند، زمینه‌های مساعدی را برای رخنه عوامل استعمار فرانو فراهم ساخت و بخشی از فضای مطبوعاتی کشور را مسموم ساخت چنان که هرگونه بی‌توجهی می‌توانست موجبات فروپاشی نظام اسلامی را فراهم کند و دستاورد خون صدها هزار شهید انقلاب اسلامی را بر باد دهد.

۱) شناخت دقیق: مقام معظم رهبری استعمار فرانو را به خوبی می‌شناخت و اهرم‌های اصلی آنان می‌دانست:

... [استعمارگران] راه دیگری را برای تسلط بر کشورها در پیش گرفته‌اند و آن، نفوذ در ملت‌هاست؛ که این همان چیزی است که من چندی پیش گفتم استعمار فرانو... [این که] ایادی خودشان را به کشورها بفرستند و با پول و تبلیغات و اغواگری‌های گوناگون و رنگین نشان دادن و موجه نشان دادن چهره‌ی مستکبران ظالم عالم، بخشی از ملت‌ها را اغوا و تحریک کنند. (۸۳/۱۰/۱۹)^۷

مقام معظم رهبری سوابق این حرکت شوم استعمارگران را به خوبی می‌داند و آن را برای مردم بیان می‌فرماید:

این طرح موفق امریکا در شوروی بود، یعنی یک ابرقدرت را با یک طرح کاملاً هوشمندانه، با صرف مقداری پول، با خریدن برخی اشخاص و با به کار گرفتن رسانه‌های تبلیغی، توانستند طی یک طراحی سه، چهار ساله و یک نتیجه‌گیری شش، هفت ماهه بکلی منهدم کنند و از بین ببرند! (۱۳۷۹/۴/۱۹)

همچنین از ابعاد بین‌المللی، چالش رسانه‌ای به خوبی آگاه است:
... گزارشی از تشکیل «ناتوی فرهنگی» را خواندم... این، بسیار چیز خطرناکی است.
البته حالا هم نیست؛ سالهاست که این اتفاق افتاده است.

مجموعه زنجیره به هم پیوسته رسانه‌های گوناگون - که حالا اینترنت هم داخلش شده است و ماهواره‌ها و تلویزیون‌ها و رادیوها - در جهت مشخصی حرکت می‌کنند تا سررشته‌ی تحولات جوامع را به عهده بگیرند؛ حالا که دیگر خیلی هم آسان و روراست شده است.^۸

۲) ایجاد آمادگی: مقام معظم رهبری سالهاست که نسبت به تهاجم و حتی شیبخون فرهنگی دشمن هشدار می‌دهد و مردم را آگاه می‌سازد. جنگ روانی دشمن، نبرد رسانه‌ای او و ماجرای تشکیل ناتوی فرهنگی را چنان که عنوان قبل آمد افشا می‌کند و با این سخنان زمینه لازم برای برخوردهای عملی را فراهم می‌سازد:

این‌که ما بتوانیم طرح کلی دشمن را در مورد خودمان بدانیم، بخشی از توان دفاعی ماست؛ به این مسأله توجه داشته باشید. ندانستن این‌که دشمن چه در سر دارد و چه می‌خواهد بکند، غفلتی است که ممکن است ما را از امکان برخورد و دفاع محروم کند؛ ما باید این را کاملاً بدانیم. از سالهای هفتادوسه و هفتادوچهار بتدریج و به‌صورت روزافزون، مبارزه‌ی اعتقادی - اخلاقی شروع شد. بنده همان وقتها شروع این مبارزه را احساس کردم. بحث تهاجم فرهنگی‌ای که مطرح کردیم، ناشی از این بخش قضیه بود.
(۱۳۸۲/۲/۲۲)

... شرط موفقیت دشمن در چالشی که با ملت ایران دارد، این است که با وسایل تبلیغاتی گوناگون، تصویر نادرستی از نظام جمهوری اسلامی به‌وجود آورد. (۱۳۸۲/۲/۲۲)

۳) اقدامات عملی: مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر دلایل تاریخی دیدگاه خویش را ذکر می‌کند:

من در صحبتی که اوایل امسال (۱۳۷۹) کردم، گفتم که بعضی از روزنامه‌ها پایگاه دشمنند. بعضی افراد تعجب کردند! من اخیراً شنیدم که اسناد سازمان سیا در خصوص نقش آن سازمان در مطبوعات قبل از ۲۸ مرداد منتشر شده است. البته من خودم آن را

ندیدیم؛ اما آنچه که نقل کردند، بسیار جالب است. نشان می‌دهد که چه روزنامه‌هایی با پول و هدایت و تغذیه‌ی سازمان سیا برای زمینه‌سازی کودتای ۲۸ مرداد در همین تهران پخش می‌شد. البته در جاهای دیگر هم نمونه‌هایش را دیده‌ایم؛ در شیلی دوران سالوادور آلنده، یکی از نقشهای مهم را روزنامه‌ها داشتند؛ برای این که حکومت دو ساله‌ی آلنده را ناموفق جلوه دهند و تمام افکار را علیه او بسیج کنند و بالاخره آن بلا را بر سرش بیاورند. ... نمی‌شود صبر کرد تا فاجعه اتفاق بیفتد، بعد آن را کشف بکنیم. امروز باید دید و با چشم باز حرکت کرد. (۱۳۷۹/۱۲/۹)

مدتی بعد در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران نیز برای مردم نیز به صورت مستدل سخن می‌گویند:

اخیرا اعلان کرده‌اند که ما باید روزنامه‌هایی را که به نفع امریکا حرف می‌زنند، در داخل ایران تقویت کنیم! اگر هم چنین روزنامه‌ای نداشته باشند، مشخص می‌کنند که نقشه‌ی ما این است. سه چهار سال قبل من یک روز همین جا گفتم بعضی از روزنامه‌ها پایگاه دشمن شده‌اند؛ اینها الان خودشان این حقایق را افشا می‌کنند. البته آن روز هم ما بی‌اطلاع نبودیم - فقط تحلیل نبود - اما امروز خودشان مسأله را افشا می‌کنند. (۱۳۸۲/۸/۲۳)

در پی هشدارهای مکرر مقام معظم رهبری سرانجام قوه قضاییه وارد عمل شد و تعدادی از نشریات مشکوک را به طور موقت تعطیل کرد. فضای جامعه به تدریج رو به آرامش رفت و آتش چالش رسانه‌ای سرد شد.

۴) استحکام مواضع: قوه قضاییه برای برخورد‌های خویش قدری مشکلات قانونی داشت. قانون قبلی مطبوعات آزادی و سبعی را برای مطبوعات در نظر گرفته بود طوری که فضا را برای سوء استفاده عوامل استعمار فرانو مهیا می‌ساخت. چنین بود که همزمان با برخورد‌های قضایی، مجلس پنجم نیز وارد عمل شد و با انجام اصلاحاتی در قانون مطبوعات، رخنه را برای عوامل استعمار دشوارتر ساخت و دست قوه قضاییه را برای برخورد با نشریات متخلف آزادتر نمود. مجلس ششم سعی کرد تا این اصلاحات را ابطال کند اما مقام معظم رهبری با نگارش نامه‌ای به ریاست مجلس وقت از قانون اصلاح شده دفاع کرد و اجازه نداد تلاش نمایندگان دوره قبل هدر رود. مقام معظم رهبری در دیدار استادان و دانشجویان قزوین، ماجرای این نامه را چنین شرح دادند:

جاهایی هست که رهبری احساس می‌کند اگر در این جا به مسؤلی که وظیفه‌ای داشته و به آن توجه نکرده، تذکر و توجه ندهد، زاویه‌ی بسیار خطرناکی در مسیر عمومی ملت پیش می‌آید. لذا وارد میدان می‌شود. در مورد این دوره‌ی مجلس شورای اسلامی یک‌بار چنین چیزی تقریباً در دو یا دو سال و نیم قبل پیش آمد و آن در قضیه‌ی قانون مطبوعات بود که بنده احساس کردم تکلیف شرعی دارم که به مجلس تذکر دهم و تذکر دادم. مجلس هم با کمال موافقت و مراقت در این زمینه با رهبری همکاری کرد و خطی را که در کمیسیون پیش‌بینی شده بود دنبال نکرد که از آنها متشکر هستیم. (۱۳۸۲/۹/۲۶)

۴. چالش تمدنی

ما باید به سوی تمدن بزرگ اسلامی حرکت کنیم و سهم مسلمانان بویژه ایرانیان را در تولید علوم و اندیشه‌های مفید بیشتر سازیم. هر گونه سهل‌انگاری در جهش تمدنی، آینده انقلاب بزرگ اسلامی را به خطر خواهد انداخت. دنیای آینده در تسخیر کسانی است که تمدن پیشرفته تری دارند. لازمه چنین تمدنی، تلاش گسترده برای تولید علم و ارتباط دانشگاه و صنعت است. تولید و کاربرد علم قدرت می‌آورد و این چیزی است که دشمنان برای ایران اسلامی نمی‌پسندند. چنین است که برخی از کشورهای پیشرفته جهان بنا به دلایل مختلفی با پیشرفت علمی ایران مخالف اند و به شیوه‌های گوناگون در برابر این هدف مقدس سنگ اندازی می‌کنند.

مغزهای ما را به شیوه‌های مختلف جذب و شکار می‌کند. با تبلیغات سوء، چهره کشورمان را برای متخصصان و مدیران و کارآفرینان ایرانی مقیم خارج چنان بد جلوه دهند که رغبت و یا جرأت سفر به ایران نداشته باشند. یک دانشمند ایرانی تحصیل کرده در آمریکا می‌گفت وقتی پس از پایان تحصیلاتم قصد آمدن به ایران را داشتم، چنان فضایی برابم ایجاد کرده بودند که من گفتم حتی اگر اعدام کنند قصد بازگشت دارم! او امروزه از جمله اساتید برجسته دانشگاه شهید بهشتی است. از سوی دیگر، در برابر پیشرفتهای هسته‌ای ایران که همگی صلح‌آمیز و در چهارچوب مقررات بین‌المللی و زیر نظارت دقیق آژانس انرژی اتمی است، مشکل تراشی کرده، قطعنامه تحریم صادر می‌کنند و از ایران می‌خواهند که حتی حقوق قانونی خود را نیز زیر پا گذارد و از خیر فن‌آوری اتمی بویژه در بخش غنی‌سازی اورانیوم بگذرد.

۱) شناخت دقیق: مقام معظم رهبری آشنایی دقیقی با ابعاد گوناگون این چالش دارد. آن بزرگوار در دیدار با اساتید دانشگاه شهید بهشتی چنین می‌فرماید:

ما به دلایل مشخص تاریخی از کاروان علم دنیا عقب افتاده‌ایم... این ظلم تاریخی به ما شده است. آنچه شما امروز از پیشرفت و گسترش علم، علاقه‌ی به علم و بالاخره مطرح شدن علم به عنوان یک مسأله‌ی اساسی در جامعه مشاهده می‌کنید، مربوط به بعد از انقلاب است. قبل از انقلاب، ... دانشگاه بود، علما بودند؛ اما علم به معنای حقیقی کلمه، یکی از مسائل کشور محسوب نمی‌شد. (۱۳۸۲/۲/۲۲)

همچنین در دیدار هیأت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی فرمودند:

یکی از موضوعهایی که نمی‌گذارند در کشورهای زیر سلطه رشد کند و بشدت مانع آن می‌شوند، مسأله‌ی علم است؛ چون می‌دانند علم ابزار قدرت است... لذا باید برای کسب علم و تحقیق جهاد کرد؛ باید کار کرد. (۱۳۸۳/۴/۱)

۲) ایجاد آمادگی: مقام معظم رهبری ابعاد مختلف نهضت تولید علم را به مخاطبان اهل علم خود معرفی می‌کند و سعی دارد تا روحیه جرأت علمی را در آنان بیدار سازد. برای نمونه در دیدار با دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر می‌فرماید:

تولید علم، فقط انتقال علم نیست؛ نوآوری علمی در درجه‌ی اول اهمیت است... برای نوآوری علمی - که در فرهنگ معارف اسلامی از آن به اجتهاد تعبیر می‌شود - دو چیز لازم است: یکی قدرت علمی و دیگری جرأت علمی. (۱۳۷۹/۱۲/۹)

۳) اقدامات عملی: در نظام جمهوری اسلامی ایران، تعیین سیاست‌های کلی نظام بر عهده رهبری است. رهبری در ابلاغ این سیاست‌ها، چه سند چشم‌انداز بیست ساله کشور و چه در سیاست‌های ابلاغی برای تدوین برنامه‌های مختلف کشور و چه در سخنانی که با سران قوه مجریه و یا رؤسای دانشگاهها داشته‌اند، بر لزوم جدیت در تولید علم، اصرار نموده‌اند؛ برای نمونه به بیانات معظم له در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت بنگرید:

به همین کار تحقیقات، کار تولید علم، ارتباط صنعت و علم و همین پارکها یا مراکز تحقیقاتی که کارهای جدید است و نهالهای تازه سر برآورده، و کاری هم نیست که تمام شدنی باشد، باید توجه کنید که استمرار پیدا کند. (۱۳۸۳/۶/۴)

نتیجه این اقدامات عملی را در پیشرفت‌های شگرف ایران در عرصه‌های مختلف علمی شاهدیم. از یک سو، کاوشگر فضایی ایران، آسمان را می‌شکافد و از دیگر سو، دانشمندان ایرانی در عرصه‌های مختلف تولید علم مانند سلول‌های بنیادی، دانش نوپای شبیه‌سازی، ساخت انواع رادیو داروها، درمان و یا کنترل برخی بیماری‌های سخت مانند قطع نخاع، ایدز، زخم پای دیابتی، سرطان و امثال آن موفقیت‌های چشمگیری به دست می‌آورند. از این گذشته جوانان برومند ایرانی موفق می‌شوند با ساخت سانتریفیوژهای پی دو (p2) تا پنج برابر سانتریفیوژهای پی یک سرعت غنی‌سازی اورانیوم را افزایش دهند. اکنون خودروهایی با نشان ایران در برخی کشورهای جهان، از روسیه و اوکراین تا سوریه و آذربایجان، و حتی در آن سوی کره خاکی در ونزوئلا نیز تردد می‌کنند و مهندسان ایرانی در نقاط مختلف جهان به ارائه خدمات مختلف مهندسی از سد سازی تا ساخت اتوبان، پالایشگاه، نیروگاه، سیلو و امثال آن مشغول هستند.

۴) استحکام مواضع: مقام معظم رهبری برای تثبیت قانونی نهضت نرم‌افزاری، علاوه بر لحاظ این امر در سیاست‌های کلی ابلاغی به دولت، سازمانهای لازم را پیشنهاد داده و تأسیس می‌کنند. نمونه آن بنیاد نخبگان است که در دیدار با اساتید دانشگاه‌ها بر جدیت در تأسیس آن تأکید ورزیدند:

اگر همین بنیاد نخبگانی که ما پیشنهاد کردیم، در نهاد ریاست جمهوری تشکیل شود - که شنیدم مقدماتش را دارند فراهم می‌کنند و اساسنامه‌ی هم نوشته‌اند - ان‌شاءالله به این سمت پیش خواهیم رفت. (۱۳۸۳/۹/۲۶)

نتیجه

رهبران انقلاب اسلامی در برخورد با هر چالش مهم در عرصه اداره جامعه، چهار مرحله را طی می‌کنند:

ابتدا شناخت دقیقی از ابعاد مختلف موضوع چالش به دست می‌آورند. سپس آمادگی‌های لازم برای حل چالش را در بین مردم و یا مخاطبان خاص آن پدید می‌آورند. آنگاه اقدامات عملی لازم را انجام می‌دهند و سرانجام پاره‌ای از اقدامات حقوقی و قانونی لازم برای پیشگیری از بازگشت چالش را انجام می‌دهند.

پی‌نوشتها:

۱. امالی شیخ صدوق، ترجمه کمره‌ای، متن، ص: ۴۲۱.
۲. اداره کل خدمات رسانه‌ای، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، از چشمه تا دریا، زندگینامه استاد شهید مطهری، مصاحبه با دکتر علی مطهری.
3. <http://porseman.org/showarticle.aspx?id<13>
۴. مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، نرم افزار گنجینه معرفت، نسخه نمونه، ۱۳۸۶ جاودانه تاریخ، زندگینامه شهید بهشتی.
۵. آقای سید محسن حکیم از مراجع تقلید و رهبر شیعیان عراق.
۶. در سایه آفتاب، محمد حسن رحیمیان، قم: مؤسسه پاسدار اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۱. ص ۹۲-۹۰؛ پا به پای آفتاب، گردآوری امیر رضا ستوده، تهران، نشر پنجره، ج ۲، ص ۲۵۳-۲۵۱.
7. <http://www.khamenei.ir/FA/Speech/detail.jsp?id<831019A>.
8. <http://www.tebyan.net/index.aspx?pid<47204>.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی